

شناسایی عوامل بازدارنده توسعه سازمان‌های کشاورزان نخل دار استان خوزستان

عرفان علی میرزایی^{۱*}، علی اسدی^۲، ایرج ملک محمدی^۳ و مریم طهماسبی^۴
۱، ۲، ۳، دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشیار گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، استاد
گروه ترویج و آموزش کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، ۴، دانش آموخته کارشناسی
ارشد ترویج و آموزش دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین- اهواز
(تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۲۳- تاریخ تصویب: ۹۰/۳/۱۸)

چکیده

هدف کلی این پژوهش، شناسایی بازدارنده‌های توسعه سازمان‌های کشاورزان نخل دار استان خوزستان بود. جامعه آماری پژوهش در قالب دو گروه مجزا، ۵۸۴ عضو سازمان‌های نخل داران و ۳۰ کارشناس کارگزاری‌های دولتی مربوطه را در بر داشت. از گروه نخل داران، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب و با بهره‌گیری از فرمول کوکران، نمونه‌ای به حجم ۱۲۰ نفر انتخاب شد و در مقابل، کارشناسان با توجه به تعداد آندک مورد سرشماری قرار گرفتند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از یک نسخه پرسشنامه محقق‌ساز استفاده شد که روایی محتوایی آن توسط سه نفر از کارشناسان خبره مربوطه و دو نفر از مدیران باسابقه تشکل‌های نخل داران مورد تأیید قرار گرفت. با انجام پیش آزمون و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز در محدوده قابل قبول ارزیابی گردید ($\alpha=0/88$). به منظور پردازش و تجزیه تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار آماری نسخه ۱۱/۵ SPSS به کار گرفته شد. بر اساس یافته‌ها، شش متغیر ضعف مالی اعضای سازمان؛ ضعف در زیرساخت‌ها، قیمت پایین محصول خرما در بازار و نوسان شدید آن، فقدان مشتری در بازار، اعمال تبعیض از طرف دولت یا مقتدران محلی، و دادن وعده‌های غیر واقعی به کشاورزان برای تشکل‌سازی به عنوان بازدارنده‌های مهم اثرگذار بر توسعه سازمان‌های کشاورزان نخل دار از دید کارشناسان و نخل داران شناسایی شدند.

واژه‌های کلیدی: سازمان کشاورزان، عوامل بازدارنده، کشاورزان خرده‌پا، مشارکت محلی

مقدمه

می‌توان به بعد منابع انسانی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد (Malekmohammadi, 2008؛ Qamar, 2002). در این بین کشاورزان خرده‌پا بیش از هر گروه دیگری، به واسطه عدم برخورداری از ساختارهای سازمانی که بتواند در رویه‌ای قانونمند و مشروع حقوق از دست رفته آنان را

بخش کشاورزی به عنوان یک سازمان بزرگ و درهم تنیده، به منظور حفظ بقاء و تداوم کارایی عملکرد در کوران تغییرات کنونی، ناگزیر به انجام تعدیلات متناسب در کلیه زیر بخش‌های خویش است که از اهم آن،

طراحی شده در قالب تعاونی‌ها و سازمان‌های کالا-محور نمودند که هدف عمده آن‌ها برآوردن نیازهای آموزشی، بازاریابی، تأمین نهاده‌ها و مواردی از این دست برای کشاورزان بوده است (Shingi & Chamala, 1997). این در حالی است که سازمان‌های کشاورزان در ممالک کمتر صنعتی شکل نگرفته‌اند و یا ثمربخشی لازم را نداشته‌اند. لذا کمک به پایه‌گذاری سازمان‌های کشاورزان اثربخش در این کشورها، حداقل به اندازه یک فن‌آوری علمی جدید در زمینه تولید حایز اهمیت خواهد بود (Van Den Ban & Hawkins, 1988). در ایران نیز، علی‌رغم وجود سوابق درخشان اقدامات همیارانه گروهی در راستای غلبه بر جبر طبیعت و تنظیم مناسبات میان بهره‌برداران عرصه‌های تولید، سازمان‌های کشاورزان به معنای امروزی آن هیچ‌گاه در سطح گسترده شکل نگرفته‌اند که این خلاء، به ویژه در مورد کشاورزان خرده‌پا و در نقاط محروم دور از مرکز از جمله نواحی کشت نخل خرما در جنوب استان خوزستان به روشنی احساس می‌گردد (Alimirzaei, 2010).

سازمان‌های محلی کشاورزان ابزاری کارآمد برای بهبود معاش، مؤلفه‌ای اصلی در افزایش درآمد مزارع و رکن اساسی ایجاد اشتغال روستایی بوده (Swanson, 2008) و دارای بهترین پتانسیل‌ها برای مدیریت مشارکتی توسعه‌اند و می‌توانند پاسخ مناسبی برای برآوردن نیازهای اصیل جامعه روستایی به همراه داشته باشند (Opore, 2002). این تشکلهای به تولیدکنندگان خرده‌پا کمک می‌کنند تا ظرفیت تولید و بازاریابی خود را در واکنش به چالش‌های رقابتی و فرصت‌های تجاری بازار بالا ببرند و با سامان دادن فرآیندهای جمع‌آوری، حمل و نقل، انبارداری و بسته‌بندی محصول، مستقیماً و بدون وجود واسطه‌ها با بازار وارد مذاکره شده و عایدات بیشتری را نصیب خود گردانند (Collinson et al., 2001; Rondot & Collin, 2005). افزون بر این، تشکلهای کشاورزان می‌توانند نقش بسیار مهمی در حمایت از کشاورزان و نمایندگی آنان در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشند. انتقال اطلاعات به اعضا، یکی دیگر از بارزترین کارکردهای سازمان‌های کشاورزان به شمار می‌رود. آن‌ها می‌توانند بخش قابل توجهی از هزینه‌های جاری نظام ترویج کشاورزی را تأمین کرده و در

از سایر بخش‌های جامعه مطالبه نماید متضرر گشته‌اند (World Bank, 2008).

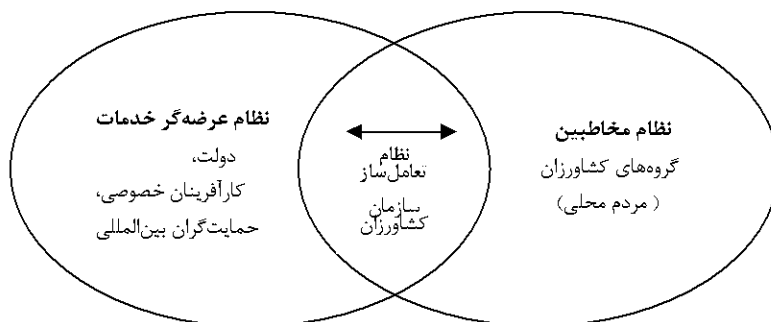
هم‌اکنون بسیاری از حکومت‌ها به روشنی دریافته‌اند که به دلایلی نظیر کاهش بودجه و تغییر در فلسفه مرتبط با مقیاس مناسب تصدی‌گری‌های بخش دولتی، همانند گذشته قادر به تدارک انواع خدمات کشاورزی نخواهند بود (Rivera & Cary, Ajieh et al., 2008). افزون بر این، تغییراتی نظیر کناره‌گیری دولت‌ها (1997)، از حمایت مستقیم کشاورزان، تمرکززدایی، جریانات خصوصی‌سازی و آزادسازی بازار، همراه با تحول سایر جنبه‌های زندگی روستایی، شرایط تولید را به شدت برای کشاورزان تغییر داده است. چنان که عدم برخورداری از تشکیلات مناسب جمع‌آوری و فروش محصول، کمبود اعتبارات، افزایش بهره‌های بانکی، نوسان شدید قیمت‌ها و رقابت نابرابر در بازار عرضه، به موازات فقدان زیرساخت‌های مختلف و دسترسی محدود به حمایت‌هایی نظیر آموزش و خدمات فنی - مشاوره‌ای، شرایط سخت زندگی فقرای روستایی را وخیم‌تر نموده است (World Bank, 2008).

در چنین شرایطی، بسیاری از اندیشمندان توسعه روستایی ضعف معیشت و رکود کشاورزی در اغلب جوامع فقیر را به مشارکت ضعیف بهره‌برداران در سیاست‌گذاری‌ها نسبت می‌دهند. چنان که FAO ریشه این مشکل را در بسیاری از کشورها، در نبود سازمان‌های شایسته و کارآمد کشاورزان می‌داند (Rose, 1996). در نتیجه رهیافت‌های جدید تدارک و تأمین خدمات کشاورزی، تمرکززدایی در راستای تفویض اختیار به سطوح پایین‌تر و جلب مشارکت هر چه بیشتر سازمان‌های کشاورزان را در رویه‌ای کثرت‌گرا و با تأکید مد نظر قرار داده‌اند (Anderson, 2007). تجارب استراتژی‌های توسعه روستایی جهان صنعتی نیز نقش سازنده تشکلهای کشاورزان را در عبور دادن سریع این جوامع از مرحله گذار بسیار مهم برشمرده‌اند. چرا که عقیده دارند به واسطه وجود سازمان‌های مختلف کشاورزان، جریان خدمت‌رسانی به خوبی هدایت شده و چنین رویکردی به مراتب پایدارتر و مؤثرتر از اقدامات گذشته خواهد بود. در همین راستا، سیاست‌های خیرخواهانه مختلفی اقدام به معرفی ساختارهای از پیش

هستند که به واسطه آن، می‌توانند از مشارکت گسترده مردم محلی استفاده کرده و آن را در جامعه نهادینه سازند. شکل (۱) نقش میانجی و تعدیل‌گر سازمان‌های کشاورزان را در یک محیط نهادی کثرت‌گرا به تصویر کشیده است (Sharifzade et al., 2006).

چارچوب یک نظام خدماتی کثرت‌گرا، به عنوان بازویی قدرتمند در تعامل سازنده با سایر کنشگران، بخش عمده‌ای از مسؤولیت‌ها و وظایف نظام ترویج را بر عهده گیرند.

در حقیقت، سازمان‌های کشاورزان به عنوان یک میانجی یا تعدیل‌گر دارای مکانیزم‌های پیش‌برنده‌ای



شکل ۱- سازمان‌های کشاورزان و نقش میانجی‌گری آن‌ها. (منبع: Sharifzade et al., 2006).

ضایع گردد. علاوه بر این، مشکلات فراوان دیگری سد راه نخل‌داران خوزستان است که از آن جمله می‌توان به عدم دسترسی به موقع و بالا بودن قیمت نهاده‌ها، فقدان زیرساخت‌های مناسب، شیوع آفات و بیماری‌ها، نوسان شدید قیمت‌ها، رونق بازار واسطه‌گری، پایین بودن قدرت چانه‌زنی نخل‌داران و مشکلات بیمه محصول اشاره نمود (Alimirzaei, 2010).

علاوه بر مشکلات داخلی، خرمای ایران در بازارهای خارجی نیز با تنگناهای فراوانی رو در روست. به عنوان مثال، در حالی که خرمای ایران از نظر وزن و ارزش صادرات به ترتیب رتبه اول و سوم دنیا را داراست، به لحاظ قیمت در رتبه نهم بازارهای جهانی قرار دارد (Shajari, 2008). در حقیقت، نخل‌داران استان هم اکنون با معضلات متعددی مواجه هستند که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، به طور انفرادی از عهده حل آن‌ها بر نخواهند آمد بلکه برای رهایی از این وضعیت، نیاز به تجمیع داشته‌ها و فرصت‌های خویش دارند که این امر تنها در صورت وجود عزمی همگانی برای همیاری و مشارکت تحول‌برانگیز امکان‌پذیر خواهد بود (Alimirzaei, 2010).

صادرات جهانی محصول با ارزش خرما، سالانه بیش از ۴۰۰ هزار تن و به ارزش تقریبی ۳۰۰ میلیون دلار است که ایران حدود ۳۰ درصد از آن را به خود اختصاص داده است (Iranian Ministry of Commerce, 2009). خرما ۳۰ درصد از صادرات خشکبار و ۱۰ درصد از صادرات غیر نفتی کشور را تشکیل می‌دهد که از این مقدار صادرات ملی در سال ۱۳۸۶، ۳۱ درصد آن متعلق به استان خوزستان بوده است. در این میان بر اساس مندرجات آمارنامه کشاورزی استان خوزستان در سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۸۵ درصد از خرمای تولیدی این استان در سه شهرستان آبادان، شادگان و خرمشهر که محدوده جغرافیایی این پژوهش را در بر دارد، تولید می‌گردد. به رغم عناوین درخشانی نظیر تولید بالا، برخورداری از ذخایر ژنتیکی غنی و تنوع ارقام، صنعت خرما در خوزستان با مشکلات عدیده‌ای مواجه است. نظام غالب خرده مالکی و شیوه بهره‌برداری سنتی از نخیلات کوچک و پراکنده، سبب می‌گردد که همه ساله بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه استان در ارتباط با محصول خرما

نظر به اهمیت سازمان‌های کشاورزان و جایگاه مهم و اثرگذار آن‌ها در تجارب موفق توسعه روستایی در اقصی‌نقاط جهان، در ایران نیز طی چند سال اخیر حرکت مثبت و رو به رشدی در جهت تشویق و ترغیب کشاورزان برای سازمان دادن خویش به چشم می‌خورد که سرعت این جریان، به موازات افزایش آگاهی نسبی از منافع حاصل از اقدامات جمعی فزونی یافته و به طور پراکنده منجر به تأسیس برخی تشکلهای رسمی کشاورزان در سطح کشور شده است که از آن جمله، می‌توان به سازمان‌های کشاورزان نخل‌دار استان خوزستان اشاره کرد. این سازمان‌ها تشکلهای رسمی و ثبت شده‌ای هستند که با تعلق کامل به اعضای که همگی نخل‌دار می‌باشند، با مداخله‌گری سازمان جهاد کشاورزی استان در راستای کمک به برآوردن نیازهای مشترک اعضا شکل گرفته‌اند. در عین حال با وجود تأسیس اولین سازمان کشاورزان نخل‌دار استان در سال ۱۳۷۷ در شهرستان خرمشهر و اقدامات حمایتی برخی کارگزاری‌های دولتی به ویژه سازمان جهاد کشاورزی خوزستان در جهت ترغیب کشاورزان منطقه به تشکلهای نخل‌داران استقبال خوبی از این جریان به عمل نیآورده‌اند تا آن جا که شمار فعلی سازمان‌های نخل‌داران استان، از تعداد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود. از اقدامات انجام شده توسط تشکلهای مورد بررسی که با درجات مختلفی از شدت و ضعف صورت می‌گیرد، می‌توان به مواردی نظیر برگزاری جلسات دوره‌ای با اعضا؛ توزیع نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز؛ اطلاع‌رسانی و برگزاری کلاس‌های ترویجی برای اعضا؛ شرکت در جلسات رسمی محلی برای انعکاس نیازهای آنان؛ اقدام و پیگیری برای دریافت وام؛ کمک به حل اختلافات میان اعضا؛ و تهیه و تدارک ماشین‌آلات کشاورزی اشاره نمود. در عین حال پنج سازمان کشاورزان نخل‌دار موجود در استان^۱ که بر اساس قانون تعاونی‌ها شکل گرفته و فعالیت می‌کنند، به ویژه از بعد کارکردی هنوز فاصله زیادی با سازمان‌های کشاورزان موفق دارند و تاکنون نتوانسته‌اند انتظارات را برآورده

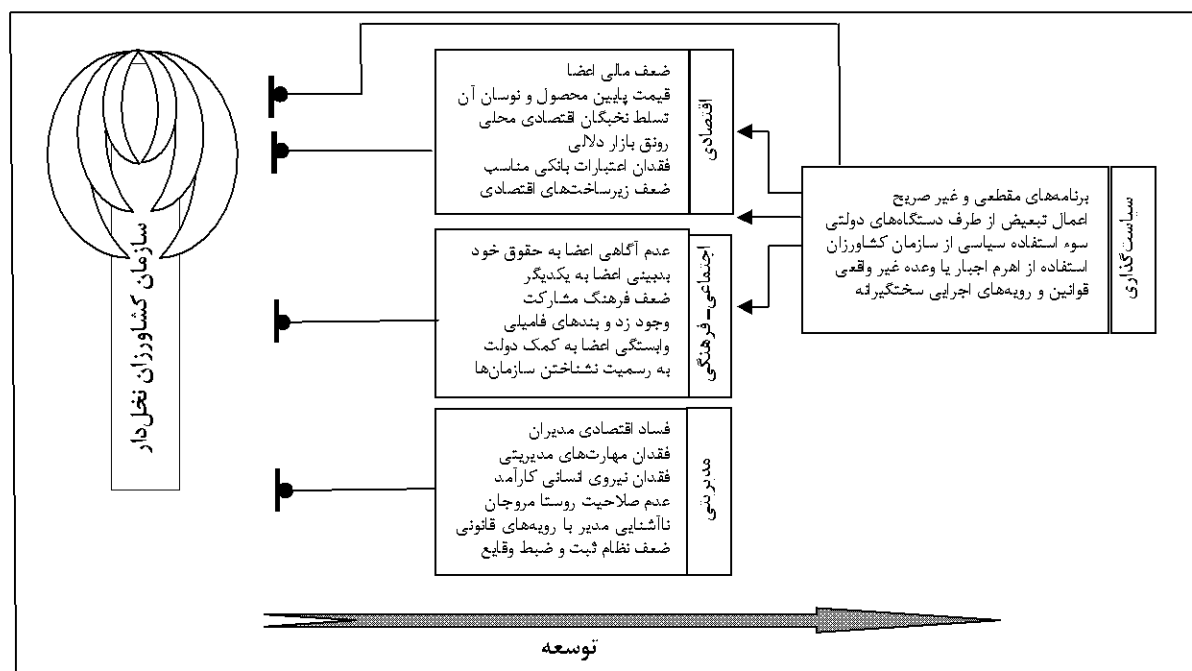
ساخته و تغییر قابل توجهی را در کیفیت زندگی اعضای خود به وجود آورند. این در حالی است که دو مورد از تشکلهای مزبور، مبلغ قابل ملاحظه‌ای^۲ اعتبارات بانکی کم‌بهره نیز از دولت دریافت کرده‌اند اما همچنان در رکود نسبی به سر می‌برند. به عنوان مثال، نخل‌داران حوزه فعالیت این سازمان‌ها با دشواری در دسترسی به نهاده‌های مورد نیاز خود مواجه بوده و به گواه بسیاری از صاحب‌نظران از جمله رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان خوزستان^۳، رونق بازار دلالی خرما در منطقه همچون گذشته، بزرگترین معضل بازاریابی محصول تولیدی نخل‌داران به شمار می‌رود. لذا مسأله اساسی این پژوهش، آن بود که علی‌رغم اهتمام کارگزاری‌های دولتی به ایجاد تشکلهای نخل‌داران و انجام اقدامات تشویقی و حمایتی در این زمینه طی سال‌های اخیر از یک سو، و نیاز کاملاً محسوس به وجود چنین تشکلهایی در منطقه از سوی دیگر، چه عواملی موجب شده است که معدود سازمان‌های نخل‌داران موجود در عرصه عمل از موفقیت چندانی برخوردار نباشند. بر این اساس هدف کلی پژوهش، شناسایی بازدارنده‌های توسعه سازمان‌های نخل‌داران بود. به دنبال این هدف کلی، برخی اهداف دیگر نظیر اولویت‌بندی متغیرهای بازدارنده به لحاظ ضرورت نیاز به عطف توجه، بررسی درجه توافق‌نظر گروه‌های مختلف نخل‌داران بزرگ، متوسط و خرده‌پا در ارتباط با متغیرهای بازدارنده توسعه سازمان‌های نخل‌داران و همچنین بررسی درجه انفاق‌نظر دو گروه کارشناسان مورد مطالعه در ارتباط با متغیرهای مزبور نیز مد نظر بود. اهمیت محصول با ارزش خرما در سید صادرات غیر نفتی کشور و سهم بالای استان خوزستان در آن، جایگاه مهم نخل‌داری به عنوان اساس معیشت خانوارهای روستایی منطقه پژوهش، مسایل متعدد فراروی نخل‌داران منطقه و ناتوانی آنان در غلبه بر این مشکلات به طور انفرادی، نوپایی نسبی تشکلهای نخل‌داران و عدم وجود سوابق پژوهشی روشن در زمینه شناسایی بازدارنده‌های توسعه سازمان‌های نخل‌داران در منطقه و حتی کشور، از جمله مواردی هستند که

۱. دو تشکل در شهرستان آبادان، دو تشکل در شهرستان شادگان و یک تشکل در شهرستان خرمشهر.

۲. هر یک از این دو تشکل مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال وام کچهره دریافت نموده‌اند.
3. Mousavi (2008).

سازمان‌های کشاورزان را فقدان منابع مالی عنوان نموده و موارد دیگری نظیر قیمت پایین محصول در بازار، نبود مشتری، کارشکنی و عدم همکاری برخی از اعضا به واسطه نگاه تنگ‌نظرانه و فقدان امکانات مورد نیاز را در شمار سایر بازدارنده‌های توسعه این تشکلهای معرفی می‌نماید. (Amirani & Zarifiyan, 2005) با ذهنی خواندن پدیده مشارکت، مهم‌ترین مانع توسعه سازمان‌های کشاورزان در کشور را فقدان فلسفه‌ای می‌دانند که اساس و زیر ساخت فرهنگی اقدامات مشارکت جویانه باشد. (FAO, 2006) نیز، ساختارهای بروکراتیک، مقررات دست و پاگیر، رویه‌های اجرایی دیوانسالارانه، اقدامات سوگیرانه و اعمال تبعیض از سوی حکومت‌ها را در شمار مسایل عمده‌ای به حساب می‌آورد که توسعه تشکلهای محلی را در بسیاری از کشورها با مشکل مواجه ساخته است. (Hellin et al., 2009) به نقل از Hoc، فقدان یا ضعف نظام ثبت و ضبط وقایع، قبضه منابع توسط نخبگان اقتصادی محلی و به رسمیت نشناختن سازمان‌های کشاورزان در مناسبات اداری محلی را از بازدارنده‌های توسعه این تشکلهای معرفی می‌نمایند. همچنین، عدم برخورداری از سرمایه و منابع مالی کافی و نیز فقدان مهارت‌های مدیریتی و کارفرمایی را از دیگر تنگناهای عمده پیش‌روی توسعه سازمان‌های محلی کشاورزان برمی‌شمارند.

ضرورت انجام پژوهش در این خصوص را اجتناب ناپذیر می‌سازند. Combe (1997)، عدم برخورداری از سرمایه، فقدان اعتبارات بانکی و ضعف در زیرساخت‌هایی نظیر نظام حمل و نقل و انبارداری را از جمله عواملی بر می‌شمارد که موجب اختلال در عملکرد سازمان‌های کشاورزان شده و مانع توسعه آن‌ها به شمار می‌روند. Shingi & Chamala (1997)، عدم وجود برنامه‌های صریح و منطقی، مقطعی بودن طرح‌ها، بی‌تجربگی مروجان، دادن وعده‌های دروغین به کشاورزان و استفاده از اهرم اجبار برای متشکل نمودن آنان را در شمار بازدارنده‌های توسعه تشکلهای کشاورزان معرفی می‌نمایند. پژوهش Ransten (1999) در مکزیک، نشان می‌دهد که سوء استفاده از سازمان‌ها برای رسیدن به مقاصد سیاسی، اداره آن‌ها به دست مدیران فاسد و بدگمانی میان اعضا، از جمله بازدارنده‌هایی هستند که در بسیاری از موارد سبب شکست تشکلهای کشاورزان شده‌اند (Hellin et al., 2009). در عین حال Mercoiret (2001)، نا‌آشنایی تشکلهای با رویه‌های قانونی و مشروع برای مطالبه حقوق خویش را مانعی در مسیر موفقیت آن‌ها می‌داند (Rondot & Collin, 2001). نتایج پژوهش Ramanaukas et al. (2005) در لتونی نیز، مهم‌ترین مشکل فراروی توسعه تعاونی‌ها و



شکل ۲- عوامل بازدارنده اثرگذار بر توسعه سازمان‌های محلی کشاورزان

← تأثیر غیرمستقیم
 ● مانع بازدارنده

انتخاب آزمودنی‌ها، کارشناسان با توجه به تعداد اندک مورد سرشماری قرار گرفتند. در عین حال از گروه نخل‌داران، نمونه‌گیری تصادفی به عمل آمد. در این راستا ابتدا با توجه به واریانس برآوردی جامعه و با تعیین دقت احتمالی مطلوب، حجم نمونه نخل‌داران با استفاده از فرمول کوکران ۱۲۰ نفر محاسبه گردید. سپس با توجه به سهم هر یک از سازمان‌های نخل‌داران در شکل‌دهی جامعه آماری، نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد. برخی اطلاعات مرتبط با سازمان‌های نخل‌داران مورد بررسی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱- محل فعالیت، سال تأسیس و تعداد اعضای سازمان‌های نخل‌داران

محل استقرار	سال تأسیس	تعداد اعضا (نفر)
خرمشهر	۱۳۷۷	۱۰۴
آبادان	۱۳۸۶	۶۰
آبادان	۱۳۸۶	۶۰
شادگان	۱۳۸۵	۲۳۰
شادگان	۱۳۸۳	۱۳۰
جمع کل	-	۵۸۴

برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، از ابزار پرسشنامه به شیوه مصاحبه استفاده شد. به منظور بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری، پیش‌نویس پرسشنامه در اختیار سه تن از کارشناسان خبره جهاد کشاورزی خوزستان و دو نفر از مدیران سازمان‌های نخل‌داران قرار گرفت و با انجام اصلاحات پیشنهادی، روایی محتوایی آن مورد تأیید قرار گرفت. همچنین به منظور تعیین درجه انسجام درونی گویه‌های مندرج در ابزار پژوهش، پس از انجام پیش‌آزمون، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و با انجام تعدیلات لازم و حذف برخی گویه‌های پرسشنامه به منظور افزایش مقدار ضریب آلفا، پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز در محدوده قابل قبول تأیید گردید ($\alpha = 0.88$). بر اساس اطلاعات حاصل از مطالعه ادبیات نظری موضوع و با توجه به شرایط محلی، ۲۴ گویه به عنوان بازدارنده‌های توسعه سازمان‌های نخل‌داران، به شرح مندرج در جدول (۲) مد نظر قرار گرفت.

بر اساس مطالعات صورت گرفته و بررسی شرایط ویژه محلی (مصاحبه نیمه- ساختارمند)، همچنین نظر به نوعی سنخیت و قرابت میان برخی متغیرهای استخراج شده از منابع نظری، بازدارنده‌های احتمالی اثرگذار بر توسعه سازمان‌های نخل‌داران در چند عامل کلی دسته‌بندی شدند که در شکل (۲) به تصویر کشیده شده است.

مواد و روش‌ها

از آن جا که این پژوهش در صدد شناسایی عوامل بازدارنده توسعه سازمان‌های نخل‌داران بوده و با توجه به امکان بهره‌گیری از یافته‌های آن در میدان عمل، به لحاظ جهت‌گیری کلی از جمله پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌رود که بر مبنای پارادایم کمی، راهبرد پیمایش را به خدمت گرفته است. لذا بر اساس طرح تحقیق و نحوه گردآوری داده‌ها، پژوهش حاضر در زمره تحقیقات غیرآزمایشی قرار دارد که در تحلیل داده‌ها و تفسیر نتایج، آمار توصیفی و استنباطی را به کار گرفته است. جامعه آماری پژوهش دو گروه مجزا را شامل بود. گروه اول، اعضای سازمان‌های کشاورزان نخل‌دار در شهرستان‌های خرمشهر، آبادان و شادگان یعنی مناطق عمده تولید خرما در استان خوزستان، که ۵۸۴ کشاورز را در قالب پنج تشکل رسمی در بر داشت^۱. واژه سازمان کشاورزان نخل‌دار در این پژوهش بر هر نوع تشکل رسمی ثبت شده‌ای دلالت می‌نمود که بدون حضور عامل دولتی و با تعلق کامل به اعضای که همگی نخل‌دار بودند، تحت هر عنوانی از قبیل «انجمن»، «سازمان»، «تعاونی»، «اتحادیه» و مواردی از این دست، سعی در برآوردن منافع مشترک اعضا داشتند. گروه دوم جامعه آماری نیز، ۳۰ نفر از کارشناسان مرتبط با امور تشکل‌های مزبور را در دو سازمان جهاد کشاورزی و تعاون روستایی استان و ادارات تابع آن‌ها در سه شهرستان یاد شده شامل بود. در انتخاب آزمودنی‌ها،

۱. شایان ذکر است که شمار تشکل‌های نخل‌داران در منطقه پژوهش فراتر از رقم مذکور بود. در عین حال تنها این پنج مورد از این تشکل‌ها در قالب تعریف مفهومی سازمان‌های کشاورزان می‌گنجانیدند.

جدول ۲- فهرست متغیرهای بازدارنده توسعه سازمان‌های

کشاورزان، استخراج شده از ادبیات نظری

فقدان مهارت لازم برای شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای اعضا
قیمت پایین محصولات در بازار یا نوسان شدید قیمت‌ها
وابستگی و انتظار سازمان برای دریافت کمک از دولت یا سایر اهداکنندگان
ضعف در زیر ساخت‌ها (نظیر نظام انبارداری و بازار رسانی غیر کارآمد)
ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه محلی
فقدان مشتری در بازار
سوء استفاده از سازمان کشاورزان برای رسیدن به مقاصد سیاسی
ساختارهای بروکراتیک و غیر منعطف در دستگاه‌های اجرایی مربوطه
آگاهی ناکافی اعضا نسبت به حقوق خویش
ناهماهنگی میان تشکلهای کشاورزان و کارگزاری‌های توسعه
ضعف یا عدم صلاحیت مروجان روستایی
فقدان مهارت‌های مدیریتی در اعضای هیات مدیره
ضعف مالی اعضای سازمان
سیاست‌های نامناسب دولت در بخش کشاورزی
استفاده از اهرم اجبار و یا دادن وعده‌های شیرین برای تشکلهای
فقدان نیروی انسانی شایسته و کارآمد در کادر اجرایی سازمان کشاورزان
اعمال تبعیض از طرف دولت یا مقتدران محلی در مورد سازمان‌های کشاورزان
عدم به رسمیت شناختن سازمان‌های کشاورزان در مناسبات اداری
فساد اقتصادی مدیران سازمان
در دست گرفتن منابع تولید توسط نخیکنان اقتصادی محلی
بدبینی درون گروهی و بی‌اعتمادی متقابل اعضا نسبت به یکدیگر
عدم آشنایی اعضای سازمان‌ها با رویه‌های قانونی و اداری
کارشکنی‌ها و عدم همکاری برخی از اعضا به واسطه حسادت و تنگ‌نظری
فقدان یا ضعف نظام ثبت و ضبط وقایع در سازمان‌های کشاورزان

حیطه کاری و وظایف هر یک از دو سازمان مربوطه در ارتباط با تشکلهای کشاورزان تا حدودی متفاوت از یکدیگر بود، این کار با هدف افزایش دقت شناسایی متغیرها انجام گرفت. همچنین با توجه به آن که تشکل‌های نخل‌داران مورد مطالعه از سازمان‌های کشاورزان کالا- محور و بازار- گرا بودند^۲، یک ملاک اقتصادی، گزینه مناسب‌تری برای بررسی تفاوت نظرات اعضای آنها به نظر می‌رسید. از این رو افراد نمونه نخل‌داران بر اساس مساحت نخیلات تحت مالکیت آنها و با توجه به عرف محلی^۳، در سه گروه خرده‌پا (مالک ۲۵۰ اصله نخل و کمتر)، متوسط (مالک ۲۵۱ تا ۵۰۰ اصله نخل) و بزرگ‌مقیاس (مالک بیش از ۵۰۱ اصله نخل) دسته‌بندی شدند و میان آنها نیز با استفاده از آزمون ناپارامتری «کروسکالوالیس» توافق‌سنجی به عمل آمد. سپس، بین متغیرهای مورد توافق داخلی نمونه کارشناسان از یک سو و بازدارنده‌های مورد توافق داخلی نمونه نخل‌داران از سوی دیگر، به کمک آزمون ناپارامتری «من‌وایتنی» توافق‌سنجی نهایی صورت گرفت.

نتایج و بحث

بخش توصیفی

بر اساس یافته‌ها، میانگین سنی نخل‌داران، ۵۱/۶ سال بود. در ارتباط با متغیر تحصیلات نیز، ۴۶/۷ درصد افراد این گروه بی‌سواد بودند و تنها ۴/۲ درصد مدرک تحصیلی دیپلم یا فراتر از آن داشتند. همچنین، میانگین سابقه اشتغال آنان به نخل‌داری، ۳۴/۵ سال و میانگین تعداد نخل ایشان، ۴۲۹ اصله به دست آمد. متوسط تولید سالیانه خرماي این افراد، ۳۴۲۲ کیلوگرم و میانگین سابقه عضویت آنها در سازمان نخل‌داران ۴/۹۷ سال بود. از ۱۲۰ نخل‌دار مورد مطالعه، ۶۴ نفر آنها در هیچ یک از دوره‌های آموزشی- ترویجی مرتبط با تشکلهای محلی شرکت نکرده بودند. در مقابل ۵۶ نفر

در تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر آماره‌های توصیفی، از آمار استنباطی نیز استفاده شد. در بخش توصیفی ابتدا با استفاده از فرمول Borich (1980)، متغیرهای بازدارنده توسعه تشکلهای نخل‌داران به لحاظ ضرورت نیاز به عطف توجه، از دید اعضای این تشکلهای اولویت‌بندی شدند. در واقع، این فرمول با بکارگیری مقادیر میانگین اختصاص یافته به وضعیت مطلوب و موجود هر متغیر، اولویت‌های بحرانی را تعیین می‌نماید^۱.

در ادامه، نمونه کارشناسان مورد مطالعه به دو گروه مستخدمین جهاد کشاورزی و تعاون روستایی تقسیم شدند و از طریق آزمون ناپارامتری «من‌وایتنی»، میان نظرات آنها توافق‌سنجی به عمل آمد. با توجه به آن که

۲. بر اساس اطلاعات به دست آمده از ادبیات نظری موضوع، سازمان‌های کشاورزان به دو گروه کلی سازمان‌های جامعه-محور و منبع-گرا و دیگری سازمان‌های کالا-محور و بازار-گرا طبقه‌بندی می‌شوند (Shingi & Chamala, 1997).

۳. با توجه به کوچکی، پراکنندگی و عدم برخورداری اراضی نخیلات منطقه از اشکال هندسی منظم، هر ۲۵۰ اصله نخل در عرف محلی برابر با یک هکتار نخلستان در نظر گرفته می‌شود.

۱. معادله فرمول بوریچ به شرح زیر است:

(امتیاز وضعیت مطلوب آن) × (امتیاز وضعیت موجود آن - امتیاز وضعیت مطلوب آن) = اولویت بحرانی هر متغیر

دیگر، حداقل در یکی از کلاس‌های مربوطه حضور داشتند.

از ۳۰ کارشناسان مورد بررسی، ۲ نفر آنان (۶/۷ درصد) را زنان و ۲۸ نفر دیگر (۹۳/۳ درصد) را مردان تشکیل می‌دادند. میانگین سن این افراد ۴۴/۷۷ سال و متوسط سابقه خدمت آنان ۲۱ سال بود. همچنین سابقه ارتباط بیش از ۷۰ درصد کارشناسان مورد بررسی با سازمان‌های کشاورزان محلی، بیشتر از یک دهه بود. افزون بر این، ۱۸ نفر از کارشناسان (۶۰ درصد) دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند.

اولویت‌های بحرانی متغیرهای بازدارنده

یافته‌های پژوهش ده اولویت آغازین متغیرهای بازدارنده اثر گذار بر توسعه سازمان‌های کشاورزان

نخل‌دار را به لحاظ ضرورت نیاز به عطف توجه، از دید اعضای تشکلهای به شرح مندرج در جدول (۳) مشخص نمود. اولویت‌های بحرانی به دست آمده گویای آن است که از دید اعضا، برای سامان دادن به وضعیت سازمان‌های نخل‌داران، حذف یا تخفیف این بازدارنده‌ها به ترتیب اولویت، باید پیش از هر اقدام دیگری انجام گیرد. از موارد قابل توجه در این فهرست که بر توانایی فرمول بوریگ در تعیین اولویت‌های بحرانی دلالت دارد، می‌توان به متغیر «ضعف یا عدم صلاحیت مروجان روستایی» اشاره کرد که علی‌رغم برخوردارگی از میانگین موجود به مراتب کمتر از سه متغیر بعد از خود، بحرانی‌تر از آن‌ها ارزیابی شده است.

جدول ۲- اولویت‌های بحرانی متغیرهای بازدارنده

متغیر	میانگین مطلوب	میانگین موجود	امتیاز	اولویت
ضعف مالی اعضای سازمان	۴/۴۷	۴/۱۶	۱/۳۹	۱
وابستگی و انتظار سازمان برای دریافت کمک از دولت	۳/۶۹	۳/۱۷	۱/۹۲	۲
ضعف در زیر ساخت‌ها نظیر نظام انبارداری و بازررسانی غیر کارآمد	۴/۳۱	۳/۸۲	۲/۱۱	۳
ضعف فرهنگ مشارکت در جامعه محلی	۴/۲۷	۳/۷۴	۲/۲۶	۴
ساختارهای بروکراتیک و غیر منعطف در دستگاه‌های اجرایی مربوطه	۴/۰۹	۳/۵۰	۲/۴۱	۵
آگاهی ناکافی اعضا نسبت به حقوق خویش	۳/۹۴	۳/۲۹	۲/۵۶	۶
ضعف یا عدم صلاحیت مروجان روستایی	۳/۴۱	۲/۴۶	۳/۲۴	۷
فقدان مهارت‌های مدیریتی در اعضای هیات مدیره	۴/۰۹	۳/۲۹	۳/۲۷	۸
سیاست‌های نامناسب دولت در بخش کشاورزی	۴/۲۲	۳/۴۴	۳/۲۹	۹
فقدان نیروی انسانی شایسته و کارآمد در کادر اجرایی سازمان کشاورزان	۴/۰۵	۳/۲۳	۳/۳۲	۱۰

بخش تحلیلی

آزمون من‌وایتنی نشان داد که اختلاف میانگین نظرات دو گروه کارشناسان شاغل در سازمان‌های جهاد کشاورزی و تعاون روستایی، تنها در یکی از ۲۴ متغیر مورد نظر به عنوان بازدارنده‌های اثرگذار بر توسعه سازمان‌های نخل‌داران معنی‌دار بود. به عبارت دیگر، دو گروه کارشناسان تنها در این مورد که «عدم به رسمیت شناختن سازمان در مناسبات اداری محلی» بود اتفاق نظر نداشتند و در نتیجه، این متغیر از فهرست متغیرهای بازدارنده

حذف شد. شایان ذکر است که نحوه تفسیر نتیجه آزمون من‌وایتنی برعکس سایر آزمون‌های مقایسه میانگین است. در این قسمت با توجه به آن که حجم نمونه‌های مورد مقایسه کمتر از ۲۰ واحد بوده است، به جدول این آزمون رجوع شده و با توجه به آن که مقدار U محاسبه شده کوچکتر از مقدار U جدول بوده است، تفاوت نظرات دو گروه در خصوص متغیر مزبور، به لحاظ آماری معنی‌دار ارزیابی شده که نتیجه آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴- نتیجه آزمون من‌وایتنی در خصوص متغیر بازدارنده فاقد اتفاق نظر دو گروه کارشناسان

متغیر	جهاد کشاورزی ۱۷ = n	تعاون روستایی ۱۳ = n	U	p
عدم به رسمیت شناختن سازمان در مناسبات اداری محلی	میانگین رتبه‌ای ۱۸/۷۴	میانگین رتبه‌ای ۱۱/۲۷	۵۵/۵۰*	۰/۰۱

* معنی‌داری در سطح ۵ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

به حقوق خویش» اتفاق نظر نداشتند که در نتیجه، این متغیر نیز از فهرست متغیرهای بازدارنده حذف گردید. نتیجه آزمون کروسکال والیس در جدول (۵) آمده است.

از سوی دیگر، نتیجه آزمون کروسکال والیس نشان داد که سه گروه نخلداران نیز تنها در مورد یکی از ۲۴ متغیر بازدارنده تحت عنوان «آگاهی ناکافی اعضا نسبت

جدول ۵- نتیجه آزمون کروسکال والیس در خصوص متغیر بازدارنده فاقد اتفاق نظر سه گروه نخلداران

P	کای اسکویر	میانگین رتبه‌های نخلداران			متغیر
		بزرگ مقیاس n=۳۰	متوسط مقیاس n=۴۶	خرده‌پا n=۴۴	
۰/۰۱	۸/۴۸**	۷۵/۶۸	۵۷/۰۷	۵۳/۷۴	آگاهی ناکافی اعضا نسبت به حقوق خویش

منبع: یافته‌های پژوهش
** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

سازمان‌های کشاورزان نخلدار خوزستان را بسیار نزدیک به یکدیگر ارزیابی نمودند که این مسأله، حکایت از شناسایی واقع‌بینانه‌تر این متغیرها از سوی دو گروه داشت. لازم به یادآوری است که بر خلاف نتیجه آزمون من‌وایتنی مندرج در جدول (۴) که متغیر مورد عدم توافق را نشان می‌داد، در این قسمت متغیرهای بازدارنده مورد توافق دو گروه گزارش شده‌اند و در نتیجه بر خلاف مورد قبل، مواردی از U که سطح معنی‌داری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ بوده ذکر گردیده‌اند. نتیجه آزمون من‌وایتنی در خصوص این موارد در جدول (۶) آمده است.

پس از انجام توافق‌سنجی داخلی بین دو گروه کارشناسان از یک سو و سه گروه نخلداران از سوی دیگر، میان نمونه کارشناسان و نخلداران نیز در ارتباط با متغیرهای مشترک مورد توافق داخلی توافق‌سنجی به عمل آمد. نتایج آزمون من‌وایتنی نشان داد که دو گروه مورد مطالعه شامل اعضای سازمان‌های نخلداران و کارشناسان، در ارتباط با شش مورد از ۲۴ متغیر مفروض به عنوان بازدارنده‌های توسعه سازمان‌های نخلداران اتفاق نظر داشتند. به عبارت دیگر هر دو گروه کارشناسان و نخلداران، درجه تأثیرگذاری منفی این شش متغیر بازدارنده بر توسعه

جدول ۶- نتایج آزمون من‌وایتنی در رابطه با عوامل بازدارنده مورد توافق کارشناسان و نخلداران

Sig	U	کشاورزان n=۱۲۰		متغیر
		کارشناسان n=۳۰	میانگین رتبه‌های	
۰/۳۵	۱۶۱۵/۰۰	۶۹/۳۳	۷۷/۰۴	ضعف مالی اعضای سازمان
۰/۰۷	۱۴۴۵/۰۰	۶۳/۶۷	۷۸/۴۶	ضعف در زیر ساخت‌ها نظیر انبارداری و بازاریابی غیر کارآمد
۰/۰۹	۱۴۶۳/۰۰	۶۴/۲۷	۷۸/۳۱	قیمت پایین محصولات در بازار یا نوسان شدید قیمت‌ها
۰/۲۲	۱۵۵۲/۵۰	۸۳/۷۵	۷۳/۴۴	فقدان مشتری در بازار
۰/۵۷	۱۶۸۴/۵۰	۷۹/۳۵	۷۴/۵۴	اعمال تبعیض از طرف دولت یا مقتدران محلی
۰/۵۵	۱۶۷۵/۰۰	۷۹/۶۷	۷۴/۴۶	دادن وعده‌های غیر واقعی به کشاورزان برای تشکیل‌سازی

منبع: یافته‌های پژوهش

مزبور به شمار می‌رفت. متوسط سابقه اشتغال اعضا به نخلداری حکایت از آن داشت که قریب به اتفاق آن‌ها، از نوجوانی فعالیت حرفه‌ای خویش در نخلستان را آغاز کرده بودند. افزون بر این میانگین تعداد نخل اعضا، اکثر نخلداران مورد مطالعه را در عرف محلی، در زمره کشاورزان متوسط قرار می‌داد که این یافته به طور

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌ها حاکی از آن بود که سازمان‌های نخلداران مورد بررسی با سالخوردگی اعضا مواجه بودند. به دنبال میانگین سنی بالا، حدود نیمی از اعضای سازمان‌ها بی‌سواد بودند تا آن جا که به گفته مسئولان تشکل‌ها، کم سوادی اعضا یکی از مشکلات اصلی سازمان‌های

که بیش از نیمی از نخل‌داران مورد بررسی در هیچ دوره آموزشی- ترویجی مرتبط با تشکل‌های کشاورزان حضور نداشتند، پیشنهاد می‌گردد نظام ترویج بر کمیت خدمات آموزشی خود افزوده و مشوق‌های مناسبی را برای جلب مشارکت بیشتر نخل‌داران به کار گیرد. شایان ذکر است که تأکید بر تدارک دوره‌های آموزشی برای نمایندگان تشکل‌ها با توجه کمبود امکانات برای آموزش همه اعضا، ممکن است موجب افزایش شکاف اطلاعاتی میان مسؤولان و اعضا شده و به افزایش اختلاف طبقاتی منجر گردد. لذا پیشنهاد می‌گردد کارگزاری‌های توسعه به موازات تدوین ساز و کار مناسب برای حصول اطمینان از جریان تبادل داخلی اطلاعات جدید در سازمان، هر از چند گاهی با هدف تبادل مستقیم اطلاعات در میان اعضا حضور یابند. به منظور غلبه بر مشکلات مالی اعضا به عنوان بحرانی‌ترین بازدارنده، پیشنهاد می‌گردد دولت با تدارک یارانه خرید نهاده‌ها، معافیت‌های مالیاتی و ارایه تسهیلات بانکی کم‌بهره به نخل‌داران در این راستا همت گمارد و رویه‌های دیوان‌سالارانه و آیین‌نامه‌های عملیاتی دست و پا گیر موجود را بر اساس شرایط واقعی جامعه روستایی منطقه تعدیل نماید^۱. همچنین، ضروریست که پروژه‌های زیرساختی نظیر توسعه راه‌های مواصلاتی، احداث تأسیسات انبارداری، سردخانه و مواردی از این دست با جدیت بیشتر دنبال گردد. پیشنهاد می‌گردد کارگزاری‌های دولتی ذیربط با تدوین سازوکار مناسب، در جهت تنظیم بازار، برقراری تعادل میان عرضه و تقاضای خرما در منطقه و تثبیت قیمت‌ها بکوشند. افزون بر این پیشنهاد می‌گردد دستگاه‌های اجرایی برای کمک به متشکل نمودن کشاورزان و تسریع فرآیند توسعه سازمان‌های نخل‌داران، حتی به شکل مصلحتی و مقطعی از دادن وعده‌های شیرین غیر واقعی اجتناب نمایند چرا که این مورد در دراز مدت، نتایج سوئی به همراه خواهد داشت.

ضمنی، بر نوعی جهت‌گیری به سوی نادیده گرفتن نخل‌داران خرده‌پا در جریان عضوپذیری دلالت داشت. در ارتباط با نمونه کارشناسان، میانگین سنی، متوسط سابقه خدمت، سابقه ارتباط با تشکل‌های کشاورزان و سطح تحصیلات آن‌ها حکایت از آن داشت که در مجموع، این افراد مطلعان خوبی از کم و کیف وضعیت سازمان‌های محلی کشاورزان بودند.

بر اساس یافته‌ها، ضعف مالی اعضا بحرانی‌ترین متغیر بازدارنده توسعه سازمان‌های کشاورزان نخل‌دار به لحاظ ضرورت نیاز به عطف توجه بود. افزون بر این، نتایج توافق‌سنجی چند مرحله‌ای میان کارشناسان و نخل‌داران نشان داد که دو گروه، در ارتباط با شش متغیر ضعف مالی اعضای سازمان مطابق با یافته‌های پژوهش Combe (1997)، Mercoiret (2001) و Ramanauskas et al. (2005)؛ ضعف در زیرساخت‌ها مطابق با نتایج پژوهش Combe (1997) و Swanson (2008)؛ قیمت پایین محصولات در بازار یا نوسان شدید قیمت‌ها، و فقدان مشتری در بازار مطابق با یافته‌های پژوهش Ramanauskas et al. (2005)؛ اعمال تبعیض از طرف دولت یا مقتدران محلی مطابق با تجربه FAO (2007)؛ و دادن وعده‌های شیرین غیر واقعی به کشاورزان برای تشکل‌سازی هم راستا با نتایج پژوهش Chamala & Shingi (1997)، به عنوان بازدارنده‌های اثرگذار بر توسعه سازمان‌های کشاورزان نخل‌دار اتفاق نظر داشتند که به این ترتیب، هدف کلی پژوهش محقق گردید.

با توجه به میانگین سنی بالای اعضای تشکل‌ها، پیشنهاد می‌گردد تدابیر مناسبی برای جلب مشارکت هر چه بیشتر جوانان اندیشیده شود که در این راستا، تدارک دوره‌های آموزشی- ترویجی مختص نخل‌داران جوان در ارتباط با اهمیت تشکل‌های محلی مؤثر به نظر می‌رسد. نظر به سطح پایین تحصیلات اعضا از یک سو و نقش بسیار مهم آموزه‌های رسمی در کمک به افزایش آگاهی‌های عمومی از سوی دیگر، پیشنهاد می‌گردد متولیان آموزش و پرورش استان بیش از پیش در راستای ارتقای سطح کمی و کیفی آموزش‌های رسمی در نواحی روستایی اهتمام ورزند. همچنین، نظر به آن

۱. به عنوان مثال بسیاری از نمایندگان سازمان‌های نخل‌داران مورد بررسی، درخواست سند مالکیت شهری از سوی بانک‌های دولتی را به عنوان وثیقه پرداخت وام به تشکل‌ها، یکی از مشکلات عمده خود بر می‌شمردند. چرا که آنان ساکن روستا بودند و اصلاً در شهر ملکی نداشتند.

REFERENCES

1. Ajieh, P.C., & Agwu, A.E., & Anyanwu, A.C. (2008). *Constraints to Privatization and Commercialization of Agricultural services*. Department of Agricultural Economics and Extension, Delta State University, Nigeria. Retrieved Dec 15 2008 from <http://www.academijournals.org>.
2. Alimirzaei, E. (2010). *Investigating of Promoter and Preventive Factors affecting Date Grower Farmers' Organizations in Khuzestan Province*. M.S. thesis. University of Tehran. Iran. (In Farsi).
3. Amirani, M. H., & Zarifiyan, S. (2005). The Role of Non-Government Organizations in Extension and Rural Development Process. *Monthly Scientific Journal of Jihad*. Jul 2005. NO (257). Pp 100-112.(In Farsi).
4. Anderson, J. R. (2007). *Agricultural Advisory Services. A background paper for "Innovating through science and technology"*. Agricultural and Rural Development Department, World Bank, Washington, DC. Retrieved Dec 10 2008 from <http://siteresources.worldbank.org/>.
5. Borich, G.D. (1980). A Need Assessment Model for Conducting Follow-up Studies. *Journal of Teacher Education*. 31, (1), 39- 42.
6. Collinson, C., Kleih, U., Burnett, D., Muganga, A., Jagwe, J., and Ferris, R.S.B. (2005). *Transaction Cost Analysis for Selected Crops with Export Potential in Uganda*. Retrieved July 18 2008 from www.iita.org.
7. Combe, O. (1997). The Role of Farmer Associations in Commodity Price Risk Management and Collateralized Commodity Finance. *Conference Des Nations Unies Sur le Commerce et le Developpement Geneve*.
8. FAO. (2006). *Framework on Effective Rural Communication and Development*. Retrieved Dec 20 2009 from <http://www.fao.org>.
9. FAO. (2007). Sustainable Agricultural Rural Development (SARD) Policy Brief 12. *Farmers' Organization*. Retrieved June 12 2008 from <ftp://ftp.fao.org/>.
10. Hellin, J., Lundy, M. & Madelon, M. (2009). *Farmer Organization, Collective Action and Market Access in Meso- America*. Retrieved July 10 2009 from www.elsevier.com.
11. Iranian Ministry of Commerce. (2009). *Export Cluster of Bushehr Date*. Organization of Iran Trade Development. 2009. Tehran, Iran. (In Farsi).
12. Jihad-e- Keshavarzi Organization of Khuzestan Province. (2006). *Planning and Economic Affairs Assistance*. Agricultural Statistic Manual of Khuzestan Province. Iran, 2006. (In Farsi).
13. Malekmohammadi, I. (2008). Handouts of Graduate Course of Agricultural Extension. Department of Agricultural Extension and Education, University College of Agriculture & Natural Resources. University of Tehran. 2008. (In Farsi).
14. Opare, S. (2002). *Strengthening Community-Based Organizations for The Challenge of Rural Development*. Retrieved Dec 20 2008 from <http://cdj.oxfordjournals.org/cgi/>.
15. Qamar, M. K. (2002). Global trends in agricultural extension: challenges facing Asia and the Pacific region. *FAO Regional Expert Consultation on Agricultural Extension, Research-Extension-Farmer Interface and Technology Transfer*. Retrieved Dec 18 2007 from <http://www.fao.org>.
16. Ramanauskas, J., Lekavičius, V., Pukėnas, A. & Brzozowski, B. (2005). Possibilities for Establishment of Producer Organization Fruits and Vegetables Sector. *Journal of Rural Development*. Retrieved June 15 2008 from http://www.lzuu.lt/rural_development/archive.
17. Rivera, W. M. & Cary, J. W. (1997). *Privatizing Agricultural Extension: Improving Agricultural Extension: A Reference Manual*. Rome. Food and Agriculture Organization of The United Nations. Retrieved June 21 2007 from <http://www.fao.org>.
18. Rondot, P. & Collion, M. H. (2001). Agricultural Producer Organization, Their Contribution to Rural Capacity Building and Poverty Reduction. *Report of a Workshop, Washington, D.C., June 28-30, 1999*. RDV. World Bank, Washington.
19. Rose, J. (1996). *Rural People's Organizations in a Liberalized Market Economy: Recent FAO Experience*. Retrieved Nov 10 2008 from <http://www.fao.org>.
20. Shajari, S. (2008). Modernization and Development Plan for Dates Processing Industries. United Nations Industrial Development Organization: *Workshop of Dates Marketing*. Sumer 2008. Iran. In farsi.
21. Sharifzade, A. G.H., Rastgoo, H. and Moradinejad, H. (2006). Improving Farmer Organization's Function in Rural Extension and Development Process. *Monthly Scientific Journal of Jihad*. Feb 2006. NO (275). Pp 191-223.(In Farsi).
22. Shingi, P.M. & Chamala, S. (1997). *Improving Agricultural Extension. A Reference Manual*. Chapter 21: Establishing and Strengthening Farmer Organizations. Rome, 1997. Retrieved June 12 2007 from <http://www.fao.org>.

23. Swanson, B.E. (2008). *Global Review of Good Agricultural Extension & Advisory Services Practices*. Food and Agriculture Organization of the United Nations. Rome. 2008. Retrieved Dec 05 2008 from <http://www.fao.org>.
24. Van Den Ban, A.W. & Hawkins, H.S. (1988). *Agricultural Extension*. Translated By: Tabarraei, M. and Zamanipoor, A. Publication of Mashad University. 2006. Mashad, Iran. In farsi.
25. World Bank. (2008). *World Development Report: Agriculture for Development*. Retrieved July 21 2009 from <http://econ.worldbank.org/>.